**جلسه 13**

**دو‌‌شنبه - 04/۰7/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به ادله عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت بود که سلار در مراسم صریحا گفت و ابن ادریس هم در سرائر مطرح کرد. بلکه این مطلب از سید مرتضی نقل شده در یکی از رساله‌هایش که فرموده است است که مشروع نیست نماز جمعه بدون امر امام علیه السلام یا نائب خاص ایشان. بلکه صاحب سرائر ادعای عدم خلاف کرد بین اصحاب. گفت عندنا الی خلاف بین اصحابنا ان من شرط انعقاد الجمعة الامام او من نصبه الامام. سید مرتضی هم عبارتش را بخوانم برای‌تان: لاجمعة الا مع الامام العادل او من نصبه الامام العادل. که امام عادل در کلمات فقهاء گذشته ظاهر است در امام معصوم.

استدلال شد بر عدم مشروعیت به وجوهی:

وجه اول ادعای اجماع بود که در سرائر مطرح شد.

که ما اشکال کردیم که اولا ادعای اجماع بر عدم مشروعیت ادعای غریبی هست. شاهد بر این‌که ما اجماع نداشتیم بر مشروعیت کلام شیخ طوسی هست در خلاف. در خلاف می‌گوید من شرط انعقاد الجمعة الامام او من یامره الامام بذلک و متی اقیمت بغیره لم تصح و به قال الاوزاعي و ابوحنیفة. لنا، دلیلنا انه لاخلاف آن‌ها تنعقد بالامام او بامره و لیس علی انعقادها اذا لم یکن امام و لا امره دلیل. بعد می‌گوید: فان قیل الیس قد رویتم فی کتبکم انه یجوز لاهل القری و السواد و المؤمنین اذا اجتمع العدد الذی تنعقد بهم ان یصلوا الجمعة؟ قلنا ذلک ماذون فیه مرغّب فیه فجری ذلک مجری ان ینصب الامام من یصلی بهم. و ایضا علیه اجماع الفرقة فانهم لایختلفون ان من شرط الجمعة الامام او امره فان من عهد النبی الی وقتنا هذا ما اقام الجمعة الا الخلفاء و الامراء و من ولّی الصلاة فعلم ان ذلک اجماع اهل الاعصار و لو انقعدت بالرعیة لصلوها کذلک.

البته این عبارت خلاف در آن اضطراب هست. شاید مشتمل بر تعارض هم باشد. ولی قرائنی در آن هست نشان می‌دهد که اجماع نداریم بر عدم مشروعیت نماز جمعه بدون امر امام یا نائب خاص آن حضرت.

یکی این‌که ایشان گفت بر انعقاد به امر امام و مشروعیت انعقاد نماز جمعه با امر امام اجماع داریم و در غیر مورد امر امام دلیل نداریم. نه این‌که اجماع داریم بر عدم مشروعیت. اگر اجماع داشتیم بر عدم مشروعیت خب این را می‌گفت. شبیه آنچه که در بحث مضاربه مطرح می‌کند مرحوم شیخ. می‌گوید ما اجماع داریم بر این‌که مضاربه به طلا و نقره صحیح است و در غیر آن اجماع نداریم. پس باید مضاربه با طلا و نقره باشد نه با چیز دیگر. بعضی‌ها فکر کردند ایشان ادعای اجماع می‌کند بر شرطیت ذهب و فضه در مال المضاربة با این‌که ایشان می‌گوید اجماع بر صحت با مضاربه به ذهب و فضه داریم و اجماع در غیر آن نداریم. چون اجماع نداریم کانّه دلیلی معتبر نداریم بر صحت مضاربه در غیر ذهب و فضه، ما قائل نمی‌شویم به صحت مضاربه. نه این‌که اجماع بر عدم داریم. اینجا هم همین‌طور است. اینجا ادعای اجماع بر مشروعیت نماز جمعه به امر امام کانّ بر عدم مشروعیت در فرض فقد امام است.

شاهد دیگرش این است که خود ایشان پذیرفت. گفت ما قبول کردیم که مردم عادی هم می‌توانند نماز جمعه بخوانند ولی معنایش این است که مردم اذن عام دارند. ذلک ماذون فیه مرغب فیه فجری ذلک مجری ان ینصب الامام من یصلی بهم.

[سؤال: ... جواب:] آنی که امام در کلمات بزرگان مثل شیخ طوسی مطرح می‌شود یعنی امام معصوم. ... اختلاف در مصداق بود. آن‌ها می‌گفتند امام این‌ها هستند، شیعه می‌گفت امام ائمه معصومین هستند. مرسوم نبود که به فقهاء بگویند امام در کلمات قدماء. و لذا تعبیر را جدا می‌کردند. امام بعد می‌گفتند و فقهاء من شیعة... که عبارت را می‌خوانیم. جدا می‌کردند از هم.

در نهایه در باب صلات جمعه اول گفته الاجتماع فی صلاة الجمعة اذا حصل الشرائط و من شرائطه ان یکون هناک امام عادل او من نصبه الامام للصلاة بالناس و لابأس ان یجتمع المؤمنون فی زمان التقیة بحیث لاضرر علیهم فلیصلوا جمعة بخطبتین. خب و لابأس ان یجتمع المؤمنون، کاملا فتوی می‌دهد به مشروعیت نماز جمعه بدون امر امام یا نائب خاص آن حضرت. باز در جای دیگر دارد که یجوز لفقهاء‌ اهل الحق ان یجمّعوا بالناس فی الصلوات کلها و صلاة الجمعة ما لم یخافوا ضررا.

بله، در مبسوط یک عبارتی دارد، آن عبارت این است که الشروط الراجعة‌ الی صحة الانعقاد اربعة. شرائط که مربوط به صحت انعقاد نماز جمعه است چهار تا است: السلطان العادل او من یامره السلطان و العدد. اینجا سلطان عادل را شرط صحت انعقاد گرفته که عرض کردم مراد ایشان از سلطان عادل به قرینه سایر کلمات امام معصوم هست. این کلام مبسوط نظر ایشان را در مبسوط بیان می‌کند. ولی مخالف است با نظر ایشان در نهایه و خلاف. و شاهد بر این‌که اجماع بر عدم مشروعیت نماز جمعه بدون امر امام معصوم ما نداریم.

علاوه بر این‌که این اجماع اگر هم وجود داشته باشد بر عدم مشروعیت اجماع محتمل المدرک است که دیروز توضیح دادیم.

یک مطلبی عرض کنم:

مرحوم آقای بروجردی این تقریرات البدر الزاهر را که ما دیدیم کلمات‌شان مضطرب است در اینجا. ادعای اجماع می‌کنند بر اشتراط امر امام معصوم ولی گاهی بیان‌شان مربوط می‌شود به اشتراط امر امام معصوم و یا نائب خاص ایشان نسبت به وجوب نماز جمعه. گاهی این را مطرح می‌کنند نسبت به مشروعیت نماز جمعه. عبارت ایشان در آن یک مقدار خلط هست. ببینید! یکجا ایشان می‌گوید که آقا! معلوم است که امام معصوم یا نائب خاص ایشان شرط است در نماز جمعه، اگر بناء بود شرط نباشد پس واجب بود نماز جمعه بر همه و مقدمه آن تعلم احکام نماز جمعه بود، پس واجب کفایی می‌شد تعلم احکام نماز جمعه و لو کان لبان.

خب این مطلب خالی از وجه نیست و لکن گاهی مطلب را عوض می‌کند. می‌گوید که شرط نماز جمعه اذن امام علیه السلام یا نائب خاص او است و اعتناء نمی‌کنیم به مخالفت مثل شافعی و احمد بن حنبل و مالک. چون دلیل‌شان معلوم است. مراجعه که می‌کنیم به خلاف می‌بینیم شافعی و احمد بن حنبل و مالک چی گفتند. می‌بینیم آن‌ها گفتند لو انعقدت الجمعة بغیر اذن الامام جاز، صحّ. خب این معنایش این است که ایشان بحث را برد به مشروعیت نماز جمعه بدون حضور امام معصوم یا نائب خاص او که می‌گوید اجماع داریم و لایضرّ مخالفة این‌ها. خب مخالفت این‌ها راجع به وجوب نبود که. راجع به مشروعیت بود. می‌گفت و لو اقیمت الجمعة بغیر اذن الامام که مراد حاکم است در کلمات عامه، جاز.

بهر حال اگر ایشان می‌خواهد ادعای اجماع کند آقای بروجردی بر این‌که بدون حضور معصوم یا نائب خاص ایشان واجب نیست، خب این بالاخره خالی از وجه نیست. و لو حالا ما هنوز جازم نیستیم ولی خالی از وجه نیست. خب محقق در معتبر صریحا گفته، علامه در منتهی و تذکره صریحا گفته، السلطان العادل او من نصبه شرط وجوب الجمعة و هو قول علمائنا. یا هو مذهب علمائنا اجمع. اما اگر می‌خواهد بگوید اجماع بر شرطیت صحت حضور امام معصوم یا نائب خاص ایشان هست، ادعای اجماع به قول آقای خوئی مجازفةٌ.

وجه دیگری که مطرح شده برای اثبات عدم مشروعیت نماز جمعه در عصر غیبت وجهی است که مرحوم آقای بروجردی ذکر کرده. فرموده که آقا! عادت مسلمین در زمان پیغمبر و ائمه بر این نبود که نماز جمعه بدون امر این‌ها بخوانند. پیامبر خودش نماز جمعه را منعقد می‌کرد. خلفاء بعد از پیامبر هم حتی امیرالمؤمنین خودشان نماز جمعه می‌خواندند. و تعیین امام جمعه توسط خود خلفاء بود. این‌طور نبود که هر کسی صبح از خآن‌هاش بیاید بگوید من می‌خواهم نماز جمعه بخوانم، مردم هم شرکت کنند. و این یک ارتکاز متشرعی به وجود آورده بود.

[سؤال: ... جواب:] نماز جماعت به اذن خلفاء بود؟ ... حالا این برائت شما قابل تقدیر است اما فرمایش شما با تاریخ سازگار نیست.

ایشان می‌گوید این مطلب یک ارتکاز متشرعی به وجود آورده بود که اذهان جمیع مسلمین حتی اصحاب ائمه بر این شکل گرفته بود که اقامه نماز جمعه از مناصب حکومت هست و اگر خلاف این را ائمه نظر مبارک‌شان بود، خب باید ردع می‌کردند از این ارتکاز قطعی عامه و خاصه که اقامه نماز جمعه از مناصب حکومت است. ائمه اگر مخالف بودند ردع باید می‌کردند. ایشان می‌گویند که اصلا ما معتقدیم فقه شیعه حاشیه‌ای است بر فقه اهل سنت. وقتی که فقه اهل سنت می‌گوید نماز جمعه از مناصب حکومت است، حالا ایشان ادعایش این است، به مناسب ارتکاز عموم مسلمین ائمه هم خلافش را نفرمودند معلوم می‌شود این مطلب را قبول دارند. و الا مخالفت می‌کردند کما این‌که در مسأله عول و تعصیب می‌بینید ائمه چقدر مخالفت کردند با نظر عامه که مخالف بودند با آن نظر.

بعد ایشان فرموده اگر بناء بود حضور امام یا منصوب خاص امام شرط انعقاد نماز جمعه نبود، نماز جمعه هم می‌شد مثل بقیه نمازهای یومیه از ضروریات دین.

این جمله اخیر باز بحث را برد به وجوب. آخه اگر شرط وجوب نباشد دیگه مثل نمازهای یومیه نمی‌شود که. شرط صحت نباشد. مردم حوصله ندارند چیزی که واجب نیست بروند انجام بدهند به این سادگی. این ذیل که می‌گوید اگر بناء‌ بود شرط نبود اذن امام، مثل نمازهای یومیه می‌شد وجوبش، رفت در شرط وجوب. اما آن صدرش بحث شرط صحت را مطرح کرده.

انصافا این بیان تمام نیست. ما اولا فتاوای فقهاء عامه را که نقل کردیم، شافعی، احمد بن حنبل، مالک، مالک فقیه اهل مدینه بود. اصلا فقه اهل سنت با مالک ترویج شد. مالک از فقهائی بود که هم بنی امیه قبولش داشتند هم بنی العباس. و فقیه بزرگ عامه مالک بوده. بعد ابوحنیفه که تا زمانی که خودش بود یا در زندان بود یا در عزلت بود، بعد از فوتش شاگردانش معروفش کردند، یا شافعی یا احمد بن حنبل و یا دیگران این‌ها به اندازه مالک معروف نبودند. خب این‌ها گفتند که شرط صحت نیست اذن امام. یعنی اذن حاکم. چه جوری شما می‌فرمایید شرط صحت بوده؟ اما این‌که می‌گویید پیامبر و خلفاء حتی امیرالمؤمنین خودشان اقامه جمعه می‌کرد یا نصب می‌کردند امام جمعه را. ما زمان پیغمبر را که اطلاع نداریم. پیغمبر خودشان نماز جمعه می‌خواندند. اما در سایر شهرها چه می‌کردند ما نمی‌دانیم. تاریخ چیزی ننوشته. عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود. ما نمی‌دانیم وضع چه طور بوده. زمان خلفاء بله عادت شده، امراء امام جمعه می‌شدند. منصب خاصی نبود امامت جمعه. عملا امیر شهر نماز جمعه می‌خواند. چون امام جماعت هم بود نماز جمعه هم می‌خواند. البته نه این‌که دیگران حق امامت جماعت نداشتند، ولی خب امام جمعه نبودند. عملا این بود. اما عادت این بوده معنایش این است که ارتکاز متشرعه بر شرطیت اقامه نماز جمعه توسط امام یا نائب خاص امام هست؟ این‌ها را از کجا ما کشف می‌کنیم؟

وانگهی این‌که ایشان فرمودند که ائمه سکوت کردند پس معلوم می‌شود موافق بودند با فتوی عامه، باب! اساس فقه عامه باطل است از نظر ائمه. گفت اصل مطلب دروغ است، به جزئیاتش گیر بدهند؟ اصل فقه عامه بر اساس روایات ضعیفه و یا استحسان و قیاس بوده، آن وقت ائمه بیایند به جزئیات بپردازند؟ چه لزومی دارد؟

[سؤال: ... جواب:] حالا بعضی از موارد بدعت بوده، مبارزه با بدعت می‌کردند. اما حالا چیزی که بالاخره عادت شده حالا چند نفر هم بگویند شرط است یا اکثر عامه بگویند شرط اقامه نماز جمعه این است که توسط حاکم اقامه بشود، ائمه اصلا نماز جمعه را اصلا نمی‌خواندند، ‌خیلی هم به این جزئیات نپردازند، مشکل کجاست؟ از سکوت ائمه چه چیزی، چه مفسده‌ای مترتب می‌شود بر سکوت ائمه تا ما از سکوت‌شان کشف کنیم که معلوم می‌شود موافق بودند و الا سکوت نمی‌کردند؟ اساس امامت جمعه این‌ها را قبول نداشتند. .... اتفاقا می‌شود گفت ائمه خلاف این جهت شرطیت اذن حاکم یا نائب خاص حاکم را بیان کردند. اذا اجتمع سبعة نفر من المسلمین و لم یخافوا امهم بعضهم و خطبهم یعنی هر کی خواست. و الا اگر نص معتبر بود این تعبیر مناسب نبود که اذا اجتمع سبعة نفر من المسلمین و لم یخافوا امهم بعضهم و خطبهم. البته آقای بروجردی می‌گوید این جمله کلام صدوق است. اما ما این را نپذیرفتیم.

پس این فرمایش آقای بروجردی هم ناتمام است.

[سؤال: ... جواب:] یک وقت خطر انحراف شیعه را هم تهدید می‌کند، اینجا است که ائمه به میدان می‌آیند. یک وقت بحث مبارزه با بدعت است، ان لله فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف المبطلین که با بدع مبارزه می‌کنند، بله. اما اگر نه، روش عامه را قبول ندارند چون فقه عامه را قبول ندارند، اتفاقا در روایت صحیحه داریم، خیلی روایت عجیبی است، راجع به اشتباه خون حیض با خون بکارت، ابوحنیفه بکند این زن، جمع بکند بین تروک حائض و افعال طاهره. یعنی نماز احتیاطا بخواند اما با همسرش نزدیکی نکند. مسأله بلد نبود این‌جوری جواب داد. این آقا هم می‌گوید آمدم خدمت امام کاظم علیه السلام در منی. فرمود شب بیا. شب که آمدیم، حضرت به اطراف نگاه کرد، فرمود این مطلب که به شما می‌گویم سر خدا است. لاتعلم الناس دین الله ارضوا ما رضی الله لهم من الضلال. بگذارید در گمراهی بمانند. این احکام را به این مردم یاد ندهید. خود شیعه این احکام را یاد بگیرد. به عامه یاد ندهید. چون یاد بدهید آن‌ها انحرافات‌شان را تصحیح حاشیه‌ای می‌کنند. اصل انحراف در امامت و ولایت‌شان محفوظ است، بعد ظاهرسازی می‌کنند؛ اشتباهات فقهی‌شان را این‌جوری برطرف می‌کنند. عملا باطن، خراب؛ ظاهر را با ارشادات ائمه خراب کردند. نخیر. ما نمی‌خواهیم این کار را بکنند. ارضوا لهم ما رضی الله لهم من الضلال.

[سؤال: ... جواب:] نقض غرض به این است که شیعه در خطر انحراف قرار بگیرد. ... نه. نماز جمعه که شیعه نمی‌خواند. یک مشت فسقه و فجره نماز جمعه می‌خواندند. چه خطر انحرافی؟ حالا آن‌ها بگویند باید یزید تعیین کند امام جمعه را، مهم نیست.

[سؤال: ... جواب:] به چه دلیل امام واجب است ردع بکند؟ ... چه خلاف ظاهری است که امام اگر مخالف باشند سکوت نمی‌کنند. حتما ابراز مخالفت می‌کنند؟

وجه چهارم باز از آقای بروجردی این است. ایشان فرمودند وزان نماز جمعه مثل وزان نماز عید فطر و عید اضحی هست. همان شرائط در اینجا هم هست. و اقامه نماز عید مسلم از مناصب ائمه بوده یا منسوبین خاص ائمه. و خلفاء جور غصب کردند مقام ائمه را، متصدی نماز عید شدند. اقامه نماز جمعه هم که شبیه اقامه نماز عید است، این هم منصب ائمه است، خلفاء غصب کردند. ایشان می‌گویند شاهد بر این‌که امامت نماز عید منصب ائمه است، این روایت صحیحه است که صدوق نقل می‌کند باسنادش که اسناد صحیح هم هست از حنان بن سدیر. سند صدوق به حنان بن سدیر معتبر است. می‌گوید ما کان عن حنان فقد رویته عن ابی و محمد بن الحسن بن ولید عن سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر الحمیری جمیعا عن محمد بن عیسی بن عبید عن حنان بن سدیر. سند تمام است. عن عبدالله بن سنان عن ابی جعفر علیه السلام قال یا عبدالله! ما من عید للمسلمین اضحی و لا فطر الا و هو یجدّد لآل محمد صلی الله علیه و آله فیه حزن. قلت و لم؟ قال لانهم یرون حقهم فی ید غیرهم. آقای بروجردی فرمودن روز عید فطر می‌شود، همه شاد هستند، لباس نو پوشیدند، ائمه ناراحت هستند، چون می‌بینند منصب امامت عید فطر یا عید قربان را خلفاء غصب کردند. این دلیل بر این است که این‌ها منصب بوده. وقتی منصب است باید ثابت بشود که امام اذن داده به غیر خودش برای تصدی این منصب.

بعد ایشان فرموده است در خصوص نماز جمعه هم ما داریم این عبارت را که نماز جمعه را هم تعبیر کردند که مقام خلفائک. البته چون سند آن روایت یک مقدار محل بحث است، در صحیفه است، صحیفه به قول امام تک تک کلماتش ثابت نیست که از امام سجاد علیه السلام است و لو آقای بروجردی می‌فرمود ما سند داریم. اما اول این صحیحه حنان بن سدیر را مطرح می‌کند ایشان‌ که بلااشکال سندش صحیح است، بعد به عنوان بیان دیگر آن دعاء صحیفه را مطرح می‌کند که در دعای صحیفه آمده که اللهم ان هذا المقام مقام خلفائک و اصفیائک و امنائک قد ابتزّوها. در روز جمعه و در روز قربان حضرت این دعا را می‌خواندند. پس معلوم می‌شود این منصب خاص ائمه است که خلفاء عامه این را غصب کرده بودند. در صحیفه سجادیه عبارت این است: اللهم ان هذا المقام مقام لخلفائک و اصفیائک و مواضع امنائک فی الدرجة الرفیعة التی اختصصتم بها قد ابتزوها، این مقام را غصب کردند، و انت المقدر لذلک لایغالب امرک، قضا و قدر تو است، و لایُتجاوز المحتوم من تدبیرک. بعد می‌گوید که حتی عاد صفوتک و خلفائک مغلوبین مقهورین مبتزین یرون حکمک مبدلا و کتابک منبوذا و فرائضک محرفة عن جهات اشراعک و سنن نبیک متروکة اللهم العن اعدائهم من الاولین و الآخرین و من رضی بفعالهم و اشیائهم و اتباعهم. این دعای صحیفه سجادیه است که در روز جمعه و عید اضحی حضرت این را می‌خواندند. خب این نشان می‌دهد که مقام نماز جمعه مقام و منصب ائمه است، دیگران غصب کردند، خب ما هم بخواهیم نماز جمعه بخوانیم بدون اذن خاص از ائمه خدایی نکرده ما می‌شویم غاصب مقام یکی از مقامات ائمه.

این محصل فرمایش آقای بروجردی.

[سؤال: ... جواب:] مشکلی نیست عبدالله بن سنان از امام باقر علیه السلام نقل کند. حالا این را تامل بکنید. قال یا عبدالله، اصلا مشخص است که امام باقر علیه السلام و لو نوجوان بوده. ... یا عبدالله، نوجوان بوده حضرت به عبدالله بن سنان گفته یا عبدالله. ... اشکال ندارد. ... سنش کم بود این از کجا؟ ... چون پدرش با او بود پس سنش کم بود؟ آن وقت سنش اینقدر کم بود که امام باقر را درک نکرد و لو در ایام جوانی؟

سند مشکل ندارد.

صحیفه سجادیه هم آقای بروجردی فرمودند که ما سند داریم به این کتاب. ما نمی‌دانیم سند آقای بروجردی چیست؟ انصاف این است که به قول امام قدس سره، احراز این‌که تک تک این جمله‌ها از امام سجاد علیه السلام باشد مشکل است. ولی خب کسی مگه جرئت دارد تشکیک کند در سند صحیفه سجادیه یا سند نهج البلاغه؟ اما از نظر فقهی استدلال به تک تک این جمله‌ها مشکل است. خب ما چه می‌دانیم شاید این جمله در صحیفه سجادیه اصلیه جابجا شده. تعبیر یک جور دیگری بوده. البته انصاف این است بنده شخصا وثوق دارم که این متن از کلام امام است. داعی بر جعل نیست. احتمال تصحیف هم در این مطالبی که اضطراب متن ندارد، احتمال تصحیف هم نبوده. بنده وثوق شخصی دارم، اما استدلال علمی نمی‌توانم بکنم. یک سند معتبری بر تک تک این کلمات ما نداریم. حالا بهرحال.

[سؤال: ... جواب:] مخالفین جعل می‌کنند علیه خودشان؟ ... چه غلوی است که اللهم ان هذا المقام مقام خلفائک قد ابتزوها؟ ... مگه کم بوده این‌ها؟ مگه احتیاج دارند این‌ها را جعل کنند؟ برو احادیث را ببین! کم له من نظیر. ... صحیفه هم که یحی بن زید دستش بود. او داد امانت به آن آقا. اول صحیفه را بخوانید. در زمان ائمه اینقدر آشکار نبوده.

به نظر ما این استدلال هم تمام نیست.

اما راجع به آن روایت عبدالله بن سنان یک جمله بگویم. کی گفته که یوم حزن ائمه بخاطر این بوده که دیدند امامت عید را دیگران متصدی می‌شوند؟ نه. یوم حزن است برای این‌که دیگران شاد هستند اما ائمه می‌دیدند مقام امامت را غصب کردند و مسلمین را به انحراف کشاندند، برای ائمه عید نگذاشتند. اگر هم آن نماز عید بهانه بوده، نماز عید بهآن‌هاش این بوده که عادتا خلفاء متصدی می‌شدند جا داشت که ائمه متصدی بشوند نه این‌که حالا شرط شرعی نماز عید اقامه توسط امام معصوم بوده. این از آن استفاده نمی‌شود.

اما راجع به صحیفه سجادیه ان‌شاءالله فردا.